

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

جانشینی دولت‌ها در معاهدات حقوق بشری

دانشجو:

سیده سپیده ساداتی فر

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر نسرین مصفا

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سیدعلی سادات اخوی

استاد داور:

جناب آقای دکتر سید فضل‌الله موسوی

پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی حقوق بشر

زمستان ۱۳۸۶

۱۰۵۶۶۱

کتابخانه حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران
۱۳۸۷ / ۷ / ۲۵



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه آموزشی حقوق عمومی

گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: سیده سپیده ساداتی فر

در رشته : حقوق بشر

گرایش :

با عنوان : جانشینی دولتها در معاهدات حقوق بشری

را در تاریخ : ۱۳۸۶/۱۲/۱۱

به عدد	به حروف
۱۸,۵	هجده و پنج

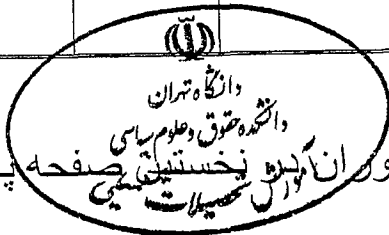
با نمره نهایی :

ارزیابی نمود.

با درجه

[Empty box for grade]

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر نسرین مصفا	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر سیدعلی سادات اخوی	استادیار	"	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر سیدفضل اله موسوی	دانشیار	"	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر سیدباقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	



تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در اولین صفحه پایانی نامه درج می گردد.



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{در دبیرستان} در دبیرستان ^{تهران} متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو ^{دبیرستان} _____

امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸
فکس : ۶۴۹۷۳۱۴

تقدیم به :

پدر بزرگوارم که رمت و ممتش پشتیبان همیشگیام، سفنان و
افکارش روشنگر راه زندگیام بوده و هست. یادش گرامی.

و مادر مهربانم که موفقیت خود را مرهون زحمات بی‌شائبه و
پیوسته‌اش می‌دانم.

و همسرم که همواره در همه‌ی لمظات در کنارم و در طی همه‌ی
مشکلات یاور و پشتیبانم بوده است.

چکیده

تغییر مرزهای منطقه‌ای و وقوع مساله جانشینی دولت جدید، دارای تاثیرگذاري زيادي بر زندگي مردمان منطقه، بوده است.

اين مسئله که جانشيني چه تأثيراتي بر تعهدات دولت جانشين بالاخص در قبال معاهدات حقوق بشري خواهد گذاشت، موضوع اين پايان‌نامه مي‌باشد.

سوال اصلي اين رساله آن است که کشور جانشين چه تعهدي در قبال معاهدات حقوق بشري که کشور پيشين به آن ملحق شده است، دارد.

فرضيه تحقيق بر آن است که در حال حاضر، جانشيني به خودي خود دولتها در معاهدات حقوق بشري، به عنوان قانون پذيرفته شده در عرصه بين‌المللي کنوني است.

پايان‌نامه در سه بخش سازمان يافته است که بخش اول آن به پديده جانشيني در حقوق بين الملل مي‌پردازد. بخش دوم به معاهدات در حوزه حقوق بشر و ويژگي‌هاي اين گونه معاهدات اختصاص يافته است و بخش سوم پايان‌نامه به بررسي رويه دولتها در اين زمينه پرداخته و هدف آن بررسي اسناد و رويه‌هاي بين‌المللي جانشيني کشورها در معاهدات حقوق بشري است.

به نام خداوند جان و خرد

خداوند را سپاس می‌گوییم که رحمت واسعه‌ی خود را به من ارزانی داشت تا به لطف خرد و اندیشه جرأت گام برداشتن به گوشه‌ای از دریای بیکران علم و دانش را بیابم.

از محضر استاد ارجمند سرکار خانم دکتر مصفا که به عنوان استاد راهنما همواره با رهنمود روشنگرانه و محبت بی‌دریغ‌شان طی این مسیر را بر من هموار نمودند، نهایت قدردانی و سپاسگزاری را ابراز می‌نمایم.

همچنین از حضور استادان گرانمایه جناب آقای دکتر سادات اخوی و جناب آقای دکتر موسوی که در تهیه این پایان‌نامه مساعدت‌های خویش را از من دریغ ننمودند، سپاسگزارم.

و نیز از همه بزرگواران و دوستان گرامی بویژه آقای علیرضا صالحی که در تدوین این تحقیق مرا یاری نمودند قدردانی می‌نمایم.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	ث
بخش اول: جانشینی دولتها در معاهدات	
فصل اول: کلیات	۳
گفتار اول: تاریخچه	۳
گفتار دوم: تعریف	۵
فصل دوم: مبانی جانشینی	۸
گفتار اول: روش‌های اکتساب زمین	۸
بند اول: روش‌های سنتی	۸
الف) واگذاری	۸
ب) اشغال و تصرف	۸
ج) مالکیت در اثر مرور زمان	۹
د) موجبات طبیعی	۹
ه) قضاوت	۹
و) غلبه و پیروزی	۹
بند دوم: روش‌های نوین	۱۰
الف) انتقال سرزمین	۱۰
ب) اتحاد چند دولت	۱۰
ج) تجزیه یک دولت و تشکیل دولت‌های جدید	۱۱
د) رهایی از بند استعمار	۱۱
گفتار دوم: استمرار یا جانشینی؟	۱۲
فصل سوم: نظریه‌های جانشینی	۱۵
گفتار اول: نظریات مبتنی بر تداوم حقوق و تعهدات کشور سلف	۱۵
بند اول- نظریه مبتنی بر حقوق طبیعی	۱۵
بند دوم- نظریه استمرار مردم	۱۷
بند سوم- نظریه جایگزینی ساختاری	۱۸
بند چهارم- نظریه تحدید ارادی	۱۸
گفتار دوم- نظریه‌های نفی استمرار	۱۹
بند اول- نظریه کلاسیک سابقه پاک	۱۹
بند دوم- نظریه سوسیالیستی	۲۰
گفتار سوم: نظریه شرایط عینی (اوکانل)	۲۱
گفتار چهارم: نظریه کنوانسیون ۱۹۷۸	۲۲

۲۴	فصل چهارم: اقسام جانشینی
۲۴	گفتار اول: جانشینی دولت - جانشینی حکومت
۲۵	گفتار دوم: جانشینی تام - جانشینی ناقص
۲۵	گفتار سوم: جانشینی در عمل - جانشینی در حقوق
۲۶	فصل پنجم: جانشینی و تعهدات بین‌المللی
۲۶	گفتار اول: معاهدات شخصی و عینی
۲۸	گفتار دوم: معاهدات چند جانبه و قانون‌ساز
۳۰	گفتار سوم: معاهدات دو جانبه
۳۲	گفتار چهارم: معاهدات مبتنی بر حقوق بین‌الملل عرفی
۳۴	فصل ششم: شیوه‌های خاص انتقال حقوق و تکالیف قراردادی دولت سلف به جانشین
۳۶	فصل هفتم: جانشینی در اسناد و رویه بین‌المللی
۳۶	گفتار اول: کنوانسیون ۱۹۷۸ وین
۳۶	بند اول - مراحل تدوین
۳۸	بند دوم - نظر کلی نسبت به کنوانسیون
۴۰	گفتار دوم: رویه دولتها

بخش دوم: معاهدات حقوق بشری

۴۵	فصل اول: منابع حقوق بشر
۴۵	گفتار اول: ماهیت معاهدات بین‌المللی در حوزه حقوق بشر
۴۷	گفتار دوم: عرفهای بین‌المللی در حوزه حقوق بشر
۴۷	بند اول - ویژگی‌های عرف بین‌الملل
۴۷	بند دوم - مفهوم عرفهای حقوق بشری
۴۸	بند سوم - عرفهای بین‌المللی حقوق بشری
۴۹	گفتار سوم: اصول کلی حقوقی
۴۹	بند اول - مفهوم اصول کلی حقوقی
۵۱	بند دوم - مفهوم اصول کلی حقوقی در حوزه حقوق بشر
۵۲	گفتار چهارم: رویه قضایی
۵۲	بند اول - مفهوم رویه قضایی
۵۳	بند دوم - دیوان بین‌المللی دادگستری و حقوق بشر
۵۶	فصل دوم: معاهدات در حوزه حقوق بشر
۵۶	گفتار اول: خصوصیات معاهدات حقوق بشر
۵۶	بند اول - حمایتی بودن
۵۸	بند دوم - جهان‌شمول بودن
۶۴	- حق شرط در معاهدات حقوق بشری

بند سوم- آمره بودن قواعد بنیادین حقوق بشری.....	۷۰
گفتار دوم: انواع اسناد حقوق بشری.....	۷۴
بند اول- اسناد بین‌المللی - اسناد منطقه‌ای حقوق بشری.....	۷۵
الف) اسناد بین‌المللی حقوق بشری.....	۷۵
۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر.....	۷۵
۲- میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر.....	۷۶
ب) اسناد منطقه‌ای حقوق بشری.....	۷۷
بند دوم- اسناد حقوق بشری عام - اسناد حقوق بشری خاص.....	۷۹
الف) اسناد حقوق بشری عام.....	۷۹
ب) اسناد حقوق بشری خاص.....	۸۱
بند سوم- معاهدات - اسناد حقوق بشری غیرالزام‌آور.....	۸۵
الف) معاهدات.....	۸۵
ب) اسناد حقوق بشری غیرالزام‌آور.....	۸۷
بخش سوم: اسناد و رویه‌های بین‌المللی در زمینه جانشینی دولتها در معاهدات حقوق بشری	
فصل اول: نظریات موجود.....	۹۴
فصل دوم: اسناد و رویه‌های قضایی موجود.....	۹۹
گفتار اول: قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر.....	۹۹
گفتار دوم: رویه‌های قضایی.....	۱۰۰
فصل سوم: رویه‌های بین‌المللی.....	۱۰۳
گفتار اول: سازمان‌های بین‌المللی.....	۱۰۳
بند اول- سازمان بین‌المللی کار.....	۱۰۴
بند دوم- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.....	۱۰۴
بند سوم- سازمان ملل متحد.....	۱۰۵
گفتار دوم: دولتها.....	۱۰۶
بند اول- مسئله جانشینی دولتها متعاقب فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی.....	۱۰۷
بند دوم- جانشینی دولتها متعاقب فروپاشی کشور یوگسلاوی.....	۱۱۲
بند سوم- فروپاشی کشور چکسلواکی و مسئله جانشینی.....	۱۱۹
بند چهارم- مسئله جانشینی و بازگشت سرزمین هنگ کنگ.....	۱۲۱
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۲۴
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۲۸

مقدمه

وجود دولت - کشورها، یعنی وجود ماهیت سیاسی سازمان یافته، و این وجود سازمان یافته با خصوصیات و مشخصات ویژه‌ای همراه است. تغییر حکومتها در یک منطقه از جغرافیا و یا اصلاحات جغرافیایی کشورها از قدیم وجود داشته است و همواره یکی از مباحث مطرح میان کشورها بوده است.

جانشینی دولت‌ها - و فرآیند اصلاح مرزهای منطقه‌ای مشخصات متفاوت و در حال تغییر در طول تاریخ داشته و دارای تاثیرگذاری زیادی بر زندگی مردمان منطقه مورد تغییر قرار گرفته، بوده است. در قدیم این تغییرات سیاسی حتی موجب تغییرات بنیادی مثل زبان و دین می‌گردیده است.

فرآیندهای جانشینی و ایجاد دولت - کشورهای جدید معمولاً در یک موج تاریخی به وجود آمده است و این امواج تاریخی که باعث تغییرات در مرزها و سرحدات می‌شده است، از قدیم‌الایام وجود داشته که تا زمان حاضر نیز ادامه پیدا کرده است. آخرین مورد آن که در حد نسبتاً گسترده‌ای رخ داد و جامعه جهانی را متأثر کرد. در اواخر قرن بیستم بود که باعث تغییرات عمده‌ای در مرزهای بین‌المللی گردید.

بنابراین تغییرات منطقه‌ای به عنوان پدیده جانشینی کشورها از قدیم مطرح بوده است. موضوع جدید دیگری که به این امر افزوده شده معاهدات حقوق بشری و در نگاه کلی تر حقوق انسانهایی است که در این مناطق زندگی می‌کنند. این مسئله که این جانشینی چه تأثیراتی بر حقوق آنها خواهد گذاشت. موضوع این پایان‌نامه «جانشینی کشورها در معاهدات حقوق بشری» می‌باشد.

با توجه به واقعیات فوق سوال اصلی این رساله آن است که دولت جانشین چه تعهدی در قبال معاهدات حقوق بشری که کشور پیشین به آن ملحق شده است، را دارد؟
فرضیه تحقیق آن است که در حال حاضر، جانشینی به خودی خود دولتها در معاهدات حقوق بشری، به عنوان نظریه پذیرفته شده در عرصه بین‌المللی کنونی است.

دلیل انتخاب این موضوع از سوی نگارنده آن بوده که این مسئله در حال حاضر یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات در زمینه حقوق بین‌الملل است و در عین حال به یکی از جذاب‌ترین موضوعات چه از نظر سیاسی - اجتماعی (حقوق بشر) چه از نظر قانونی (حقوق بین‌المللی) تبدیل شده است.

اهمیت موضوع رساله به این دلیل است که انبوه موارد نقض حقوق بشر معمولاً در دوره‌های بی‌ثباتی سیاسی ناشی از جانشینی کشورها رخ می‌دهد. در این مواقع دانستن حوزه دقیق تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از ضروریات است و جامعه جهانی نیز بر این مسئله که موازین اولیه حقوق بشر در کشورهای جانشین رعایت می‌شود، یا خیر توجه داشته و برای رعایت معاهدات حقوق بشری، ارزش ویژه‌ای قائل گردیده است.

هدف تحقیق پرداختن به یکی از مهمترین موضوعات در عرصه بین‌المللی یعنی پدیده جانشینی کشورها بوده است و این جانشینی را تنها در عرصه معاهدات حقوق بشری بررسی نموده است. پدیده جانشینی کشورها در عرصه بین‌المللی از قدیم وجود داشته اما حقوق بشر مدرن یکی از موضوعات مهم سده‌های اخیر جامعه‌ی انسانی است. معاهدات حقوق بشری نیز عمر کوتاهی دارند و سابقه آنها بیشتر به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد.

روش تحقیق بررسی تاریخی - تحلیلی بوده است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتابها، مقالات معتبر و سایتهای مرتبط با موضوع بوده است. به خصوص با توجه به آنکه تحولات جانشینی گسترده اواخر قرن بیستم، در حال حاضر فروکش کرده و ثبات مرزهای بین‌المللی مجدداً برقرار گردیده، زمان آن رسیده که تحولات این دوره بررسی گردد. همچنین تلاش گردد تا رویه‌های عملی انجام شده در این دوره چه از سوی تحولات جامعه بین‌المللی و چه از سوی کشورها، شفاف و مشخص گردد.

پایان‌نامه در سه بخش سازمان یافته است که بخش اول آن به پدیده جانشینی می‌پردازد و پس از بیان تاریخچه و تعاریف، توضیحی در خصوص مبانی جانشینی و نظریه‌های

جانشینی ارائه می‌گردد. همچنین اقسام جانشینی، جانشینی و تعهدات بین‌المللی، جانشینی در اسناد بین‌المللی و رویه کنونی در خصوص جانشینی کشورها مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش دوم به معاهدات حقوق بشری اختصاص یافته که پس از بیان مختصری از منابع حقوق بشر، معاهدات در حوزه حقوق بشر و ویژگی‌های این گونه معاهدات ذکر گردیده است.

بخش سوم پایان‌نامه به بررسی رویه دولتها در این زمینه پرداخته و هدف آن بررسی اسناد و رویه‌های بین‌المللی جانشینی کشورها در معاهدات حقوق بشری است. این بخش مسایل دنیای معاصر در حول جانشینی کشورها در معاهدات حقوق بشری را بررسی کرده و در آن پس از بیان مقدمه‌ای، نظریات و اسناد موجود در این زمینه ارائه و همچنین رویه‌های بین‌المللی با دو زیر قسمت سازمانهای بین‌المللی و دولتها ذکر گردیده است. در انتهای پایان‌نامه نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آمده است این بخش در حقیقت ادامه طبیعی مباحث بخش سوم می‌باشد ولی به دلیل اینکه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مشخص‌تری ارائه گردد، در سرفصلی جدا ارائه شده است.

مهمترین محدودیتهای پایان‌نامه دسترسی به اسناد و گزارشات بین‌المللی موجود به خصوص جهت تدوین بخش سوم بوده که سعی شده با ترجمه اسناد و مقاله‌های جمع‌آوری شده این نقیصه رفع گردد. با وجود این به دلیل اهمیت این مسئله مطالعات بیشتری به خصوص در زمینه رویه‌های قضایی و نقش نهادهای نظارتی بین‌المللی و... مطرح می‌باشد که برای مطالعات آینده پیشنهاد می‌شود که در این تحقیق با توجه به محدودیت زمانی و موضوعی بررسی نگردیده است.

بخش اول

جانشینی دولت‌ها در معاهدات

در بخش اول به بررسی مسئله جانشینی دولت‌ها به طور کلی می‌پردازیم. همانگونه که می‌دانید مسئله جانشینی بحث جدیدی در حقوق بین‌الملل نمی‌باشد بنابراین پس از شرح مختصری از تاریخچه آن به بررسی انواع جانشینی دولت‌ها در معاهدات و قواعد تدبیر شده در حقوق بین‌الملل در این رابطه می‌پردازیم.

فصل اول: کلیات

گفتار اول: تاریخچه

مساله جانشینی دولت‌ها پدیده نوینی نیست و سالهاست دو پدیده به ظاهر متناقض تجزیه و وحدت در سازمان سیاسی جامعه خودنمایی می‌کند.

پس از تقسیم امپراتوری روم در سال ۳۹۵ به امپراتوری روم شرقی و غربی و آنگاه فروپاشی روم شرقی در سال ۴۵۳ توسط ترکان عثمانی و امپراتوری روم غربی در سال ۴۷۶ بدست بربرها و پیدایش بیشماری از حکومت‌های سیاسی ناپایدار و احیاء مجدد آن در سال ۸۰۰ میلاد مسیح و تجزیه مجدد آن به سلطان نشین‌های ایتالیا و بورگنی و تجزیه این سلطان نشین‌ها در عصر فئودالیت و ایجاد امیرنشین‌های زیادی که هر یک داعیه حکومت در منطقه‌ای را داشتند و به طور کلی تقسیم اروپای غربی به سرزمین‌های متعدد همواره مساله جانشینی را مطرح ساخته است.^۱

در عصر جدید تجزیه اروپا به عقد معاهدات و استغالی (۱۶۴۸) که بر مبنای اصل اساسی نفی امپریالیسم و پذیرش اصل تعادل اروپایی صورت گرفت، مسئله تجزیه امپراتوری‌ها و ایجاد دولت‌های تازه استقلال یافته مجدداً طرح گردید. تفسیر جدید از مسئله تعادل اروپایی بدین صورت که کشورها می‌توانند توسعه‌طلبی نمایند به شرط آنکه دیگران هم معادل متصرفات آن کشورها برای خود سرزمینی تدارک ببینند. که این امر نهایتاً منجر به تقسیم لهستان توسط روس و پروس و اطریش گردید، و این امر موجب بروز مشکلات سیاسی عمده شد، مبین طرح مسئله جانشینی در این دوران می‌باشد.

آنچه موجب طرح این پدیده به صورت جدی در حقوق بین‌الملل گردید آغاز جنبش استقلال‌طلبی در سده‌های ۱۸ و ۱۹ در قاره آمریکا که با قیام ۱۳ مستعمره امپراتوری بریتانیا

۱. عباس عزیزی، بررسی جانشینی دولت‌ها در زمینه معاهدات با تأکید بر مسائل اتحاد جماهیر شوروی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴.

شروع و منجر به استقلال ایالات متحده آمریکا در ۱۷۸۳ و سپس استقلال مستعمرات اسپانیا و پرتغال در آمریکای لاتین گردید.

تشکیل کشورهای جدید در طول قرن نوزدهم در اروپا و واژگونی امپراتوری اتریش - مجارستان و فروپاشی عثمانی که با انعقاد عهدنامه‌های صلح ورسای صورت گرفت و همچنین ظهور کشورهای نظیر یوگسلاوی - چکسلواکی، مجارستان، لهستان و مشکلات عملی ناشی از جانشینی دولت‌ها در طرح‌ریزی مجدد نقشه اروپا و تاثیر ایتالیا و تقسیم پروس و مشکلات دیگری نیز که کشورهای مشترک‌المنافع (کامنولث)^۱ با تحت قیمومت و یا بر اثر توسعه ایالات متحده وجود داشت، موجب رشد برخی از موارد جانشینی در پایان جنگ جهانی اول شد.^۲

مشکلات دیگری که پس از جنگ دوم جهانی پیش آمد از قبیل تقسیم برخی کشورهای درگیر در جنگ نظیر آلمان و کره، ویتنام و انضمام جمهوری‌های بالتیک و قسمتی از لهستان به اتحاد جماهیر شوروی و نهایتاً ایجاد کشورهای تازه استقلال یافته از جمله هند و پاکستان و تجزیه جمهوری چین به جمهوری خلق چین و تایوان و رشد جنبشهای استقلال طلب در مستعمرات که در دهه ۱۹۶۰ به اوج خود رسید، همواره بحث جانشینی را به عنوان موضوع حادی در حقوق بین‌الملل مطرح کرده است.

اگر چه پس از استقلال اکثریت سرزمینهای مستعمره و تشکیل کشورهای جدید، گمان می‌رفت که مسئله جانشینی کشورها دیگر به فراموشی سپرده شود، مخصوصاً شناسایی اصول نوینی در حقوق بین‌الملل، همچون اصل عدم توسل به زور و تحریم جنگ، اصل عدم تجاوز، اصل احترام به استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها به مثابه قواعد آمره بین‌المللی که جایگزین اصول کلاسیکی نظیر حق توسل به زور یا حق جنگیدن و حق کشورگشایی بود، و این اصول را نفی و تقبیح می‌کرد رویدادن واقعه جانشینی کشورها را

1. Common Wealth Countries

2. Bernhardt, Rudolf, Encyclopedia of public International Law, Max-Planck-Institute, vol. 10, North-Holland, 1983, p. 444.

امری به مثابه امری عبث و بیهوده نشان می‌داد.^۱

با این حال با تصویب دو کنوانسیون در این زمینه، یکی از کنوانسیون جانشینی دولت‌ها در زمینه معاهدات در سال ۱۹۷۸ و دیگری کنوانسیون جانشینی دولت‌ها در زمینه اموال، آرشیو، بدهی‌ها در سال ۱۹۸۳ و تحولات دهه ۹۰ در روابط بین‌الملل ناشی از فروپاشی اردوگاه شرق که منجر به تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی گردید و اتحاد دو آلمان و وحدت یمن نشانگر این امر است که بحث جانشینی، بحثی زنده و پویا می‌باشد و صحبت از متروک شدن آن به دلیل تثبیت مرزها ساده‌نگری بیش نیست.

گفتار دوم: تعریف

واژه‌ی «جانشینی کشورها» برای تبیین شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل به کار می‌رود که به آثار حقوقی ناشی از تغییر حاکمیت بر سرزمین می‌پردازد.^۲ اگر چه تعریف مشخص و جامع و مانعی برای آن تاکنون ارائه نشده است.

زمانی که دولتی به طور دائم جانشین دولت دیگر در یک سرزمین و نسبت به مردم آن سرزمین می‌شود، این جانشینی در پی وحدت کامل یا ضمیمه شدن بخشی از خاک یک دولت یا تجزیه شدن آن و یا در اثر ایجاد یک دولت جدید تحقق می‌یابد خواه دولت پیشین در این سرزمین وجود داشته باشد و یا از میان رفته باشد. جانشینی یک دولت در حقوق و تکالیف دولت دیگر ناشی از همین وضعیت است.^۳ به عبارت دیگر جانشینی دولت‌ها یکی از اشکال اکتساب غیرمستقیم حق است که بر اثر جایگزینی یک دولت در روابط حقوقی دولتی دیگر با سایر دولت‌ها ایجاد می‌شود.

به عقیده اوکانل^۴ جانشینی دولت عبارت از بروز یک وضعیت در زمانی که دولتی قائم

۱. محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ هیجدهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۹۸.

۳. ابراهیم بیگزاده، جزوه درسی حقوق بین‌الملل عمومی، دوره کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۱-۸۰، ص ۲۷۰.

مقام دولت دیگری در سرزمینی گردد.^۱ اوپنهایم معتقد است هنگامی جانشینی اشخاص بین‌المللی روی می‌دهد که در نتیجه تغییرات معینی در وضع شخص بین‌المللی، یک یا چند شخص بین‌المللی جای شخص بین‌المللی دیگری را بگیرند.^۲

دکتر پنسون^۳ در کتاب «ترمینولوژی حقوق بین‌الملل عمومی و سازمانهای بین‌المللی» جانشینی را جایگزین شدن کامل و یا ناقص حاکمیت در یک دولت بوسیله دولت دیگر در قلمرو معینی که موجب قائم مقامی دولت دوم در حقوق و تکالیف دولت اول می‌گردد، می‌داند.^۴ و تعریف لغتنامه حقوق بین‌المللی این گونه است: جانشینی دولت عبارت است از انتقال حاکمیت یک تابع حقوق بین‌الملل بر یک سرزمین به تابع دیگر.^۵

به نظر اکثریت حقوقدانان، یک نظام حقوقی مشخص در خصوص جانشینی وجود ندارد. با این هدف که از ابهامات بی‌موردی که ممکن است مسئله جانشینی ایجاد نماید جلوگیری نمایند. لذا جانشینی دولتها را به مسائل عینی و مادی محدود می‌نمایند، فارغ از مسائل حقوقی که از آن نشأت می‌گیرد. چنین نظریه‌ای سبب شد تا کمیسیون حقوق بین‌الملل در هنگام تدوین پیش‌نویس کنوانسیون‌های ۱۹۷۸ در مورد «جانشینی دولتها در معاهدات» و ۱۹۸۳ در مورد «جانشینی دولتها در اموال، آرشیو و بدهی‌ها» موضع محتاطانه‌ای بگیرد.

طبق قسمت ب بند یک ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۷۸ وین، جانشینی دولتها، جانشینی یک دولت به جای دولت دیگر در مسئولیت‌های ناشی از روابط بین‌المللی در چارچوب یک سرزمین اطلاق می‌گردد.

۱. عبدالکریم انواری، جانشینی در حقوق بین‌الملل، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۶، ۱۳۵۳، ص ۲۰ به نقل از D. P. O'canell, *The law of states succession*, combridge, Press 1956.

۲. عبدالرحمن عالم، جانشینی دولتها، مجله روابط بین‌الملل، شماره ۱۰، ۱۳۵۸، تهران، ص ۴۳.

3. Peanson

۴. سید باقر میرعباسی، حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، نشر دادگستر، ۱۳۷۶، چاپ اول، ص ۱۶۷.

5. Robert L. Beldsoe and Boles laa A. Boczek, *The international law Dictionary*, Oxford, England, 1987, p. 59.

در این مفهوم جانشینی وضعیتی است که در آن قدرتی سیاسی جای قدرت سیاسی دیگر را می‌گیرد، چندانکه آن سرزمین از حاکمیت یک دولت خارج می‌شود و در حاکمیت دولتی دیگر که مسئولیت روابط بین‌المللی مربوط به آن سرزمین را بر عهده گرفته است قرار می‌گیرد.^۱

با مقایسه نظریات بعضی از علمای حقوق و تعریف کنوانسیون، به نظر می‌رسد کنوانسیون وین قلمرو محدودتری برای تعریف این مفهوم در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۶، کنوانسیون فقط شامل مواردی می‌شود که جانشینی در چارچوب حقوق بین‌الملل اتفاق افتاده باشد. همچنین بر اساس بند الف ماده ۲ خود را صرفاً به معاهدات کتبی میان دولت‌ها می‌کند.^۲ همچنین طبق تعریف کنوانسیون، از جانشینی، احکام مربوطه برای تسری تعهدات در این تعریف جای نگرفته و تعریف منحصر موضوعی مترادف با تحقق آثار جانشینی به خودی خود نمی‌باشد.^۳

1. Vienna Convention on Succession of States on Respect of Treaties. 1978, UN Doc, A/ConF 80/31, Article 2. Part 1. b.

۲. مسعود رجیبی سیاهبومی، *فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جانشینی آن در ارتباط با ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۹.

۳. عباس عزیزی، پیشین، ص ۱۶.